



یادداشت

مردم نه جنگ میخواهند نه بمب اتمی، صلح، نان و آزادی می خواهند

صادق کار



اولیاتوم های پیاپی شفاهی و کتبی دونالد ترامپ به خامنه‌ای و تهدیدات جنگ طلبانه ناتانیاهو که بعد از بازگشت ترامپ به قدرت دست او را برای ادامه جنایتش در غزه، لبنان و سوریه بازگذاشته است، با وجود اینکه به نظر می رسد ترامپ معامله با رژیم را بر جنگ ترجیح می دهد و خامنه‌ای نیز مایل به جنگ نیست، با این وصف جامعه را نگران عملی شدن این تهدیدات و پیامدهای آن کرده است.

نگرانی مردم را در سقوط روز به روز ارزش ریال و افزایش جهش وار قیمت مواد غذایی و اعتراضات و شعارهایی که در اعتراضات مطرح می شود و شعارهایی مانند، "جنگ را رها کن، فکری به حال ما کن" می شود باز شناخت.

دغدغه اکثر مردم در این روزها بیشتر تامین معیشت و هزینه‌ها و زندگی بدون نگرانی از جنگ و مزاحمت های ماموران سرکوبگر است. حتی اکثریت وابستگان رژیم نیز مخالفت شان با جنگ و ماجراجویی های تازه پنهان نمی کنند و بدون واژه‌ها از عواقب کار آن را در رسانه های اجتماعی اطلاع رسانی می کنند. مجموع فشارها باعث شده خامنه‌ای دستکم بطور تاکتیکی هم که شده با مذاکره غیر مستقیم با دولت امریکا، مذاکره کند و زیر حرفهای چند هفته پیش خود بزند.

روشن است که اکثریت مردم مخالف جنگ بوده و با لاف گزاف هایی اقلیت کوچکی که در آرزوی جنگ هستند مخالف باشند. مسئله مردم در این ایام جنگ و ساختن بمب اتمی نیست مردم در آرزوی صلح، آزادی، رفاه و زندگی به مفهوم واقعی آن بدون مزاحمت پلیس و پاسدار هستند.

جنگ و دخالت های ماجراجویانه و پر هزینه و بد فرجام رژیم تا کنون نتیجه‌ای جز درد و رنج، ویرانی و جنگ و کشتار برای مردم منطقه و بیشتر از همه برای مردم فلسطین نداشته است. ملت های فلسطین، لبنان، سوریه و خود ایران هزینه های انسانی و مالی غیر قابل جبران برای آن پرداخته‌اند. این دخالتها که ظاهرا برای نابودی اسرائیل و به بهانه حمایت از مردم فلسطین یا بقول عده‌ای از وابستگان حکومت برای ایجاد و توسعه عمق استراتژیک و بیرون راندن امریکا از منطقه انجام گرفته است، از نتایج آن می شود به روشنی



دریافت که به ضد خود تبدیل شده و حکم هدیه‌ای آسمانی برای دولت اسرائیل و کارتل های تولید کننده اسلحه سازی را داشته است.

در طول سالهایی که این کشمکشها و جنگها تداوم پیدا کرده، دولت اسرائیل و امریکا و برخی دیگر از قدرت های امپریالیستی حضور خود در منطقه را حفظ و توسعه داده و با لولو کردن حکومت خامنه‌ای صدها میلیارد تسلیحات به کشورهای ثروتمند منطقه فروخته‌اند. اسرائیل غزه را با کشتن وحشیانه بیش از ۵۰ هزار فلسطینی به خاک و خون کشیده است و جنایاتی همانند نازی ها مرتکب شده. با اشغال بخشهایی از خاک لبنان و سوریه گام های دیگری بسوی توسعه مناطق اشغالی از نیل تا فرات برداشته است ساختار دفاعی سوریه را نابود نموده است. چندین هزار نفر را به بهانه نابودی حزب اله به قتل رسانده و کمپانی های اسلحه سازی غزه را به محلی برای آزمایش سلاح و بمبهای ۹۰۰ کیلویی خود تبدیل کرده‌اند.

اکنون حتی مناطق فلسطینی آزاد شده از اشغال اسرائیل نیز در معرض اشغال مجدد و الحاق به مناطق اشغالی پیشین اسرائیل قرار دارد. عمق استراتژیک رژیم به کنترل دولت های اسرائیل و تروریست های تحریر شام درآمده و ترکیه جای ایران در سوریه را گرفته است، روابط ایران با لبنان و عراق به سردی گرائیده. این یعنی بازگشت به موقعیت زیرصفر با وجود صدها میلیارد هزینه مالی و هزینه های انسانی بسیار. بازگشت به موقعیت گذشته نا ممکن است و هر تلاشی در این زمینه سرنوشتی جز شکست بیشتر ن در بر ندارد.

در چنین موقعیتی که کشور در محاصره این همه بحران قرار دارد و امریکا و اسرائیل از لحظ تسلیحات بر ایران برتری نظامی آشکاری دارند و از حمایت حداقل نیمی از کشورهای جهان فعلا برخوردارند حرف زدن از جنگ اگر از طرف نفوذی های دشمن نباشند، عین حماقت و انتحار است. تلقی اش کرد. عاقبت این جنگ معلوم است به نفع کشور و آینده مبارزات مردم ما نیست. در این بحبوحه از همه بدتر تحریک دشمن با تهدید به ساخت بمب اتمی است که در این روزها مانند نقل و نبات توسط عده‌ای که می خواهند شکست هایشان را با راه انداختن جنگ تازه جبران کنند در همه جا بعنوان وسیله نجات رژیم پخش می شود. گویا غافل از این هستند که دارند جواز نابودی کشور را برای دشمن صادر می کنند. تهدید به ساختن بمب نه تنها بازدارنده نیست بلکه ممکن است باعث جلو انداختن بمباران مراکز هسته‌ای، صنعتی و زیر ساخت های کشور شود. خسارات مالی و انسانی هر حمله‌ای به هر مکانی در کشور را خامنه‌ای و سران رژیم نمی پردازند، مردم ایران باید پردازند. بنا بر این مبارزه با جنگ طلبی از هر دو سو، دفاع از صلح و برای سرنوشتی رژیم در موقعیت کنونی کاری است که در مقابل ما قرار دارد.

**از جنبش نه به اعدام برای متوقف کردن و ابطال احکام اعدام حمایت و به آن
بپیوندید!**

ما از جنبش زن، زندگی، آزادی و مطالبات دمکراتیک و مترقی آن حمایت می کنیم!



علل و راه‌های نابرابری جنسیتی در کار بخش دوم

چولین چو



زنان آفریقای جنوبی در مبارزه با نابرابری جنسیتی در کار

اهمیت مطالعه نابرابری جنسیتی در محیط کار 2.3

مطالعه نابرابری جنسیتی در محیط کار از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. اول از همه، این مطالعه می‌تواند ما را از خطرات نابرابری جنسیتی در محیط کار آگاه کند. مولینیوکس معتقد است که سازمان‌های زنان به دلیل داشتن منافع مشترک در شکست دادن قدرتی که توانایی‌های آنان را محدود می‌کند، کنار هم قرار می‌گیرند. برای مثال، نابرابری جنسیتی در محیط کار می‌تواند بر کارایی تأثیر بگذارد. هدف از این نوشته جلب توجه عمومی و بهبود جایگاه زنان در محیط کار است.

دوم، این موضوع می‌تواند ما را متوجه کند که برای کاهش و غلبه بر نابرابری جنسیتی در محیط کار و ایجاد فضای کاری خوب و هماهنگ، باید اقدامات بیشتری انجام شود. به جای نادیده گرفتن نابرابری جنسیتی در محیط کار، باید به این مسئله بیشتر توجه شود.

سوم، افرادی که در شرایط نابرابر قرار دارند، می‌توانند از رفتار ناعادلانه‌ای که با آنها می‌شود آگاه شوند. علاوه بر این، این آگاهی می‌تواند افراد بیشتری را که در شرایط نابرابر هستند، تشویق کند تا با شجاعت برای دفاع از حقوق قانونی خود بایستند. خوزوایو آفریقای جنوبی را با چنان تاریخی تعریف می‌کند که در آن زنان برای آگاهی‌بخشی در مورد مسائل مربوط به خود و ایجاد تغییرات اجتماعی، دور هم جمع شده‌اند.

مهم‌تر از همه، مطالعه نابرابری جنسیتی می‌تواند مردم را به جلوگیری از چنین رفتارهایی در زمانی که شاهد نابرابری دیگران در محیط کار اند، ترغیب کند. در نهایت، این موضوع به ما کمک می‌کند تا نابرابری جنسیتی را در جامعه درک کنیم. زیرا می‌توان محیط کار را به جامعه و زندگی گسترش داد.

خوزوایو همچنین مطرح می‌کند هرچند حرکت‌هایی که زنان برای مقابله با نابرابری جنسیتی انجام می‌دهند، همیشه موفق نیستند (مانند سازمان زنان ناتال، که پس از سال 1994 بر مسائل سیاسی تمرکز داشت و زنان غیرفعال در سیاست را از خود بیگانه کرد)، اما تلاش‌های زیادی برای متحد کردن زنان به منظور مقابله با تبعیضات مردسالارانه در تمامی حوزه‌های جامعه آفریقای جنوبی صورت گرفته اند.

مطالعه در این باره می‌تواند نگرش ما را تغییر دهد تا جامعه بتواند برای دستیابی به برابری جنسیتی در محیط کار و همچنین در سطح جامعه، تلاش بیشتری کند. این مطالعه می‌تواند جامعه را به اصلاح قوانین نیز تشویق کند. هدف نوشته حاضر شناسایی علل نابرابری جنسیتی و ارائه راه‌حلی برای آن نیز هست.



کمیته‌های اعتصاب را در کارخانه‌ها و ادارات تشکیل دهیم!

اتحاد، اعتراض، نبرد تا رهایی!

از مبارزه زنان علیه تبعیضات جنسی و برای برابری حمایت کنیم!

3. علل نابرابری جنسیتی در محیط کار

3.1 تبعیض جنسیتی

تبعیض جنسیتی یکی از دلایل اصلی رفتار نابرابر با زنان در محیط کار است. کوپ نشان داده است که تبعیض جنسیتی نقش کلیدی در توضیح تداوم سقف شیشه‌ای در محیط‌های کاری زنان و پیشرفت کند آنها به سمت موقعیت‌های ارشد در سازمان‌های جهانی دارد. زنان در محیط کار اغلب با سختگیرانه‌تری مثلاً در باره سن، قد، و ظاهر شان مواجه می‌شوند که ابداً ربطی به کار مورد نظر ندارند.

علاوه بر این، همواره این کلیشه عمل می‌کند که زنان نسبت به مردان توانایی کمتری دارند. همچنین، در اغلب موارد زنان متأهل یا بدون فرزند استخدام نمی‌شوند و در مورد توانایی زنان برای ایجاد تعادل بین خانواده و کار ابراز تردید می‌شود. این باور بسیار رایج است که زنان باید بیشتر به کارهای خانه رسیدگی کنند. این تبعیض جنسیتی باعث می‌شود زنان بیشتر در موقعیت‌های سطح پایین محدود شوند.

تبعیض جنسیتی منجر به رفتار نابرابر با زنان در محیط کار می‌شود. طبق گزارش مجمع جهانی اقتصاد، در سال 2021 در چین درصد مردان در مقام قانون‌گذار و مدیر ارشد 83.3 بوده است، در حالی که این درصد برای زنان تنها 16.7 بوده است. طبق تحقیقات خوزوایو در آفریقای جنوبی 79.4% از مدیران ارشد مرد و تنها 18% زن اند. علاوه بر این، اگرچه 43% از زنان دارای مدارک حرفه‌ای و مهارت‌های فنی قابل مقایسه با مردان در زمینه‌های مشابه اند، اما این شکاف بزرگ همچنان وجود دارد.

باید افزود که در جامعه نیز این پیشداوری وسیعاً وجود دارد که زنان در محیط‌های کاری موقت و برای خدمات مناسب‌تر اند. ناپدید شدن نشان داده است که حتی زنان صاحب سرمایه در بخش خدمات غالب اند، در حالی که مردان در بخش تولید دست بالا را دارند.

ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!

به بیکاران باید حقوق پرداخت شود و تحت پوشش تامین اجتماعی قرار داشته باشند!

بدون متشکل شدن دفاع از حقوق و معیشت ممکن نیست!



قانون جدید بازنشستگی گامی دیگر در راستای تشدید محرومیت زحمتکشان

صادق



قانون جدید بازنشستگی عادی که جزئیات آن توسط دولت ابراهیم رئیسی در غیاب نمایندگان کارگران تهیه شده بود، برای اجرا از اول فروردین ابلاغ شد.

بخش مربوط به مشاغل سخت و زیان آور اما با وجود تغییرات تعدیلی بسیاری که در آن بوجود آورده‌اند، ولی معلوم نیست به چه علت هنوز ابلاغ نشده است. با این حال بنا بر شایعاتی که مطرح است قصد دارند آنرا بیشتر تعدیل و تعداد دیگری از مشاغل مشمول آن را حذف کنند.

طبق آیین نامه جدید سن بازنشستگی به ۶۲ سال و سابقه کار نیز با پنج سال افزایش برای کسانی که کمتر ۲۸ سال سابقه بیمه دارند، به ۳۵ سال پرداخت حق بیمه افزایش داده شده.

در قانون جدید سن بازنشستگی زنان حداکثر ۵۵ سال اعلام شده است. البته قبلاً حداقل سن زنان ۴۲ سال بوده است. ظاهراً در این یک مورد تبعیض مثبت برای زنان قائل شده‌اند، که البته دلیل آن باید راندن زنان از بازار کار به زیر سقف خانه باشد.

پیداست که کارگران با نظر داشت سخت و نا ایمن بودن شرایط کار در محل‌های اشتغال با افزایش سن و سابقه پرداخت ۳۵ سال حق بیمه برای استفاده از بازنشستگی موافق نباشند. با این همه بیشتر از آن با تغییر مقررات مربوط به بازنشستگی مشاغل سخت و زیان آور بیشتر مخالف باشند. با این بخش از قانون بر اساس اطلاعاتی که از کم و کاست آن منتشر شده قلع و قم شده و حداقل ۵۰ درصد از کسانی که مشمول بازنشستگی در کارهای سخت و زیان آور می شدند را از شمول آن خارج نموده و سن این نوع بازنشستگی را از ۲۰ به ۲۵ سال رسانده‌اند. بهمین دلیل بیشترین اعتراض نسبت به این بخش از قانون انجام گرفته است.

اکثر مشاغلی که طبق قانون جدید از شمول بازنشستگی سخت و زیان آور خارج شده‌اند کسانی هستند که واقعا با کارهای خطرناک سروکار دارند.

حذف این گروه بزرگ نشان می دهد که هدف از مقررات جدید کاهش مشمولین قانون بدون در نظر داشت سخت بودن و نبودن مشاغل شان بوده است. معیار نیز افزایش ورودی حق بیمه به صندوق و کاهش خروجی از آن بوده است و چیزی که در این میان برای تدوین کنندگان آیین نامه مهم نبوده سلامت کسانی بوده که در چنین مشاغلی کار می کنند. در قانون جدید تنها سن و سابقه پرداخت حق بیمه افزایش داده نشده، معیار تعیین حقوق بازنشستگی نیز به نحوی تغییر داده شده که باعث کاهش سطح حقوق بازنشستگی شود.



به غیر از موارد نامبرده که همگی به ضرر کارگران و مزدبگیران هستند، اصولاً به دلیل تغییرات اساسی که در قانون کار و تامین اجتماعی طی چند دهه گذشته به ضرر کارگران و مزد بگیران بوجود آورده‌اند از جمله موقتی سازی نیروی کار، امتناع کارفرمایان بسیاری از بیمه کردن کارگران و رد نکردن منظم و درست حق بیمه، برای کارگر دشوار است برای اینکه بتواند از حقوق کامل بازنشستگی برخوردار شود ۲۵ سال حق بیمه خود را تا ۶۲ سالگی پر کند. کما اینکه هم اکنون ده‌ها هزار نفر هستند که به سن بازنشستگی رسیده‌اند، اما به همان دلایلی که شرح داده شد در حالی که سهم حق بیمه خود را پرداخته‌اند اما چون صاحب کارهایشان آن را رد نکرده و بالا کشیده‌اند اگر ۶۲ سال را پر کرده باشند حقوق های بازنشستگی شان تابع مدتی است که حق بیمه هایشان توسط کارفرما به حساب تامین اجتماعی واریز شده باشد.

این قانون فقط بخاطر جبران کسری بودجه صندوق های غارت شده بازنشستگی توسط ایادی حکومت تنظیم نشده، بلکه اهدافی مانند طفره رفتن دولت و کارفرمایان از پرداخت بدهی هایشان، کاهش حقوق بازنشستگی و کاهش خدمات تامین اجتماعی و فراهم کردن زمینه خصوصی سازی بیشتر بخش درمان تامین اجتماعی را نیز هدف قرار داده. خصوصی سازی بخشی از تامین اجتماعی در واقع در بخش درمان از سالها پیش شروع شده و مسابقه حادی بین شرکتهای بیمه خصوصی برای اختصاص سهمی از تجارت پرسود موسوم به بیمه های تکمیلی جریان دارد.

خلاصه گفته باشم دولت، کارفرمایان و بخش خصوصی هر سه از تغییرات به عمل آمده در قانون بازنشستگی سود می برند و ضرر و هزینه سود آنان را کارگران و بازنشستگان هستند که با زدن از رفاه و سلامت شان باید بپردازند. در آمدهای ناشی از تغییر قانون نیز معلوم نیست مانند قبل به غارت برده نشود! خوب البته زمانی که طبقه کارگر متشکل و سازمان یافته نباشد، و دشمنانش سردار و سپاه و تشکیلات و حکومت داشته باشند، چه انتظاری غیر از این می توان داشت؟

و عده‌های تو خالی شگرد همیشگی کارگزاران رژیم است

امید



در ۳۱ شهریور سال گذشته در اثر انفجاری که در معدن "معدنچو" طیس بوقوع پیوست ۵۳ کارگر جان خود را از دست دادند و تعدادی نیز مجروح و مصدوم شدند. وزیر کار که برای کنترل بازتاب این فاجعه و جلوگیری از انعکاس علت حادثه خود را با عجله به محل فاجعه رسانده بود، در حالی که هنوز دلیل حادثه مشخص نشده



بود، علت حادثه را در حضور صاحب معدن و خبرنگاران تصادفی اعلام کرد و گفت کسی در ایجاد آن مقصر نبوده.

اظهاریات وزیر با واکنش گسترده کارگران و تعدادی از مطلعین مواجه و مورد اعتراض واقع شد. دو سه روز بعد معلوم شد که علت حادثه نبود تجهیزات ایمنی و قراضه شدن دستگاه هشدار دهنده گاز بوده است و با وجود هشدار کارگران معدن در مورد احتمال انفجار مدیران معدن به آن وقعی ننهادند و کارگران را تهدید کرده بودند که بین اخراج و رفتن به معدن یکی را انتخاب کنند.

تصورش را بکنید کارکردن در عمق معدنی که وقوع انفجار در آن می رود و امکان فرار از مهلکه وجود ندارد. برای کارگرانی که از آن اطلاع دارند چقدر دلهره و استرس آور است.

صاحب معدن که وزیر کار با گفتن اینکه حادثه تصادفی بوده خیال او را از پیگرد قانونی راحت کرده بود مرتکب دو خلاف بزرگ که به مرگ ۵۳ انسان منجر گردید شده بود. رعایت نکردن قوانین ایمنی و اجبار کارگران به کار در معدنی که خطر انفجار در آن بالا بود. در واقع صاحب معدن می بایست به خاطر نقشی که در کشته شدن ۵۳ معدنچی داشت محاکمه و مجازات می شد، اما نه تنها با وجود دادگان کارشناسان به خطاکار بودن محاکمه و مجازات نشد، بلکه بدون اینکه تغییری در مدیریت و معدن بوجود آورد با دعای خیر جناب وزیر اصلاح طلب اجازه پیدا کرد با خیال آسود بدون نگرانی از مجازات کارش را ادامه دهد.

جناب وزیر برای خواباندن سرو صدای قضیه و آرام کردند افکار عمومی وعده پرداخت خسارت به خانواده کشته شدگان و مصدومین حادثه، افزایش دستمزدهای معدن چیان و رسمی کردن آنها را داد. برخی رسانه ها هفته های بعد از فاجعه از قول خانواده های کشته شدگان و مصدومین خبر از خلف وعده جناب وزیر دادند، با این وصف وعده های داده شده چنان به فراموشی سپرده شد که انگار نه خانی رفته نه خانی آمده است. صداهای اعتراض خانواده ها نیز در میان انبوه خبرهای مصیبت بار گم شد.

تا اینکه روز گذشته نمی دانم به چه علت خبرگزاری ایلنا گزارشی را به نقل از کارگران این معدن منتشر کرد و نوشت:

خبرگزاری ایلنا دیروز گزارشی را به بررسی وعده های میدری وزیر کار دولت پزشکیان بعد از کشته شدن ۵۳ معدنچی در معدن جو در ۳۱ شهریور سال گذشته اختصاص داد و از تو خالی از کار درآمد وعده های وزیر کار انتقاد کرد. و نوشت:

وعده وزیر کار، فقط یک وعده بود و مانند سایر وعده هایی که در بزنگاه های حوادث تلخ برای تلطیف افکار عمومی و فروکش کردن بحران می دهند، تو خالی و بدون ضمانت اجرایی از کار درآمد. کارگران معدن هیچ "زمان مشمول تبدیل وضعیت و افزایش حقوق نشدند"

علی مقدسی زاده از روسای شوراهای اسلامی منطقه نیز به ایلنا گفت:

اینکه کارگر معدن با کار سخت و جانکاه، فقط ۱۷ یا ۱۸ میلیون تومان حقوق ماهانه بگیرد، در آن زمان واقعیت تلخی بود که آن چنان فضای عمومی را متاثر کرد که وزیر کار وادار شد در این زمینه وعده هایی بدهد؛ اما تا پایان سال به این وعده ها عمل نشد. چندی پیش یکی از کارگران مصدوم تحت مداوا و چند خانواده دیگر



از اینکه حقوق ۱۰ میلیونی که به آنها می دادند را مدتی است به موقع نمی دهند شکایت کردند. خیلی از کارگران یا پیمانی بودند و بیمه نبودند، یا کارفرما برای اینکه حق بیمه کمتری پرداخت کند همه ی حقوق شان را در لیست بیمه نمی زد یا عناوین شغلی شان را جعل می کرد

جناب وزیر با نظر داشت اینکه ۸ سال پیش از رسیدن به صدارت معاونت وزرای کار را به عهده داشته از این تقلبها که توسط سرمایه داران یا بقول خودشان "کارآفرینان" انجام می گیرد بی اطلاع نیست، ولی هر گاه که سر و صدای این تقلبهای بیشمار به رسانه ها هم می کشد، کوچکترین عکس العملی از خود بروز نمی دهد. گویی اصلا وجود ندارد

تقریباً همه ی کارگران در هر جا که کار می کنند با وعده های توخالی کارگزاران رژیم آشنا هستند. با این وجود چون نه تشکل دارند و نه قانونی باقی مانده که بواسطه آن بتوانند احقاق حق بنمایند، به بهانه عملی نکردن این وعده ها هر از چندی دست به اعتراض می زنند و این دور باطل تا وقتی کارگر به اعتصاب اش تا گرفتن حق ادامه ندهد و سیلی نقد را فدای حلوای نسیه نکند ادامه خواهد داشت. ماجرای کارگران معدنچو تنها یک نمونه از هزاران نمونه است

بله ما با چنین دم و دستگاهی روبرو هستیم که وظیفه دیگری به غیر از خدمت به سرمایه داران و دفاع یک طرفه از منافع آنها و بی حقوق سازی و سرکوب طبقه کارگر برای خودش قائل نیست و تا وقتی که این نظام اهریمنی بر کشور حکمرانی کند، حال و روز زحمتکشانش هم همین خواهد بود که هست



داود رضوی عضو زندانی هیئت مدیره سندیکای واحد به مرخصی آمد

نخستین مرخصی داود رضوی پس از ۹۵۴ روز حبس ناعادلانه

در ۱۶ فروردین داود رضوی، عضو زندانی هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، که در تاریخ ۵ مهر ۱۴۰۱ با یورش مأموران امنیتی بازداشت و به زندان اوین منتقل شده بود پس از ۹۵۴ روز حبس بدون مرخصی، برای پنج روز به مرخصی آمد

رضوی، ۶۵ ساله، در طول دوران بازداشت خود با مشکلات گوارشی و دیگر بیماری های جسمی مواجه بوده و با وجود تأکید پزشکان بر ضرورت ادامه روند درمان، تاکنون از حق مرخصی درمانی محروم مانده بود



سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ضمن ابراز خرسندی از اعطای این مرخصی، خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط داود رضوی و نیز ابراهیم مددی، از اعضای هیئت مؤسس سندیکا، و همچنین سایر کارگران، معلمان، زنان و فعالان مدنی زندانی است.



بازنشستگان در ادامه اعتراضات یکشنبه های خود روز گذشته اعتراضات خود را از سر گرفتند. در تظاهرات روز گذشته بازنشستگان افزون بر درخواست مطالبات پیشین خود نسبت به عدم افزایش کافی حقوق های بازنشستگی در سال جدید اعتراض کرده و خواهان افزایش حقوق خود متناسب با هزینه های واقعی زندگی و آزادی زندانیان سیاسی شدند. خط فقر ۱۰۰ میلیون، حقوق ما ۱۰ میلیون، غارتهای نجومی فلاکت عمومی



راه سخت کارگران مشاغل سخت و زیان آور برای بازنشستگی

گروه اقتصادی: یک فعال کارگری گفت: بعضی از کارفرمایان جهت فرار از پرداخت چهار درصد مبالغ سخت و زیان آور کارگران را در سالهای آخر اخراج می کنند تا آنها به بیست سال نرسند و از سنوات ارفاقی قانون بازنشستگی مشاغل سخت و زیان آور استفاده نکنند.



روز ۱۷ فروردین کارگران ماشین سازی اراک در اعتراض به پرداخت نکردن مزایای معوقه مزدی شان اعتصاب کردند و خواستار پرداخت معوقات و حق تشکل شدند. به گفته کارگر؛ پرداخت مطالبات عرفی و مناسبتی کارگران این کارخانه از ماه‌ها پیش به تاخیر افتاده و درخواست آن‌ها؛ تسریع در پرداخت همه مطالبات عرفی و مناسبتی است

چاره کارگران وحدت و تشکیلات مستقل است!

همه با هم برای آزادی زندانیان سیاسی و کارگری متحدانه مبارزه کنیم!

از مبارزه کارگران و مزد و حقوق بگیران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد حمایت کنیم!

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>